

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا

سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۷، بهار ۱۳۹۲

پژوهشی در «جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه» با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۸۲۸-۱۹۵۳م)

سیدرحمان حسنی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۲/۲/۲۱

چکیده

موقعیت مناسب دریای خزر محیط مساعدی را برای رشد انواع آبزیان، به ویژه ماهیان خاویاری، فراهم کرده است. این مسئله همواره جلب توجه مستأجران شیلات روس را در پی داشته است. حضور فعال روس‌ها در شیلات شمال ایران، ناشی از میزان بالای پرداخت اجاره و تجهیز به وسایل صیادی بوده است. علاوه بر این، شرکت‌های معروف حمل و نقل دریایی به روس‌ها تعلق داشت و منبع درآمد خوبی برای صاحبان امتیاز بود؛ اما به دلیل نقش حیاتی شیلات در اقتصاد و معیشت مردم نواحی شمال ایران، درگیری‌هایی با صاحبان امتیاز پیش می‌آمد.

هدف اصلی این تحقیق، تبیین جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه (تزاری و کمونیستی) از ۱۸۲۸ تا ۱۹۵۳م است. در این تحقیق با تکیه بر اسناد آرشیوی و منابع به‌جامانده از دوره زمانی تحقیق و اطلاعات آماری موجود از آن، شیلات شمال و وضعیت آن پیش از واگذاری آن به

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و مدرس دانشگاه مازندران Hassani.Seydrahman@Gmail.com

لیانازوف‌ها، چگونگی واگذاری امتیاز به آن‌ها، سرمایه‌گذاری آن‌ها در شیلات شمال و پیامدهای آن، برخورد صیادان شمال، نقش و موضع دولت روسیه در این زمینه، خاتمۀ امتیاز و واگذاری آن به دولت کمونیستی شوروی، ملی شدن شیلات در زمان نخست‌وزیری مصدق بررسی و تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ ایران، عصر قاجار، دوره پهلوی، روسیه (تزاری و کمونیستی)، شیلات شمال.

مقدمه

شیلات شمال با وجود دریای خزر و گوناگونی رودخانه‌های بزرگ و کوچک، تنوع ماهیان موجود در آن همواره مورد توجه اهالی منطقه بوده است و از نظر اقتصادی در زندگی منطقه و فرامنطقه و حتی در سطح ملی و بین‌المللی اهمیت حیاتی داشته است. موقعیت اقتصادی منحصر به فرد شیلات شمال سبب شده تا ملت‌های هم‌جوار دریای خزر به آن توجه ویژه داشته باشند.

در دوران گذشته - به‌ویژه از عصر صفویه (۱۵۰۱-۱۷۲۲م) به بعد - دریای خزر به‌عنوان منبعی اقتصادی و پلی ارتباطی نگریسته می‌شد. به‌دلیل همجواری روس‌ها با ایران و حضور فعال آن‌ها و از زمان انعقاد قرارداد ترکمانچای (۱۸۲۸م) و ضمیمۀ تجاری آن به تدریج شیلات شمال پررونق‌تر از گذشته شد. همچنین از زمان حکومت محمدشاه قاجار (۱۸۳۴-۱۸۴۷م) حضور گسترده مستأجران روسی چشمگیر است.

تا زمان واگذاری شیلات شمال به میرزا حسین خان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین‌شاه (۱۸۴۷-۱۸۹۵م)، شیلات شمال وضعیت ناهمگونی داشت. در قراردادهایی که میان مستأجران با دولت‌مردان قاجار منعقد می‌شد، حضور روس‌ها نمود بیشتری داشت. این امر ناشی از این واقعیت بود که روس‌ها وسایل و امکانات صیادی بیشتر و پیشرفته‌ای داشتند و شرکت‌های حمل و نقل در

اختیار آنها بود. از سویی دیگر، میزان اجاره آنها از مستأجران ایرانی بالاتر بود. میرزا حسین خان سپهسالار در تنظیم و تنسيق شیلات شمال، تلاش وسیعی را انجام داد. بعد از واگذاری شیلات به او، قراردادی را با استپان لیانازوف^۱ و شرکایش امضا کرد و شیلات شمال را در اختیار آنها قرارداد. ناصرالدین شاه بعد از برکناری میرزا حسین خان سپهسالار آن را به پسرش، کامران میرزا، سپرد و او هم آن را طی قراردادی به استپان لیانازوف واگذار کرد. این امتیاز از زمان واگذاری آن به لیانازفها تا خاتمه آن و تا پایان واگذاری آن به روسیه کمونیستی بارها تمدید شد.

در دوران تصدی و سلطه لیانازوفها بر شیلات شمال، اختلافات و درگیریهای زیادی میان صاحبان امتیاز و ساکنان شمال بر سر صید و صیادی به وجود آمد. این امر پیامدهای را در پی داشت، به ویژه اینکه دولت مردان روسیه در همه موارد اختلاف، حمایت همه جانبه ای از لیانازوفها داشتند. اسناد و مدارکی که در این تحقیق بدان اشاره می شود، گویای چنین وضعیتی است. از سویی دیگر در دوره بعدی با واگذاری شیلات شمال به دولت روسیه کمونیستی در قالب قرارداد شرکت ماهیگیری مختلط وضعیت کم و بیش مشابهی را داشت.

فرضیه های تحقیق حاضر را با توجه به یافته های موجود در آن در موارد زیر می توان تبیین کرد:

۱. موقعیت مناسب دریای خزر، به ویژه سواحل ایران، محیط مساعدی را برای رشد انواع آبزیان به خصوص ماهیان به وجود آورده است. از این نظر ماهیان خاویاری قابل ملاحظه هستند.
۲. موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی دریای خزر، جایگاه منحصر به فردی را برای دریای خزر ایجاد کرد.
۳. روس ها لوازم و ابزار صیادی پیشرفته ای را در اختیار داشتند و خود تولید و صادرکننده به ایران بودند.
۴. میزان اجاره مستأجران روسی از مستأجران ایرانی بیشتر بود. این امر با توجه به کمبود منابع مالی دولت ایران، دولت مردان را به خود جلب می کرد.
۵. حمل و نقل دریایی بیشتر در اختیار شرکت های معروف کشتیرانی روسی بود.

۶. واگذاری شیلات شمال هرچند منبع درآمدی خوبی برای دولت ایران به شمار می‌آید، با توجه به نقش حیاتی شیلات شمال در حیات اقتصادی مردم منطقه مواعی را برای صیادان و حتی مصرف‌کنندگان به وجود آورد. این امر اختلافات و درگیری‌هایی را در پی داشت.

هرچند درباره شیلات شمال، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است، اما بیشتر آن‌ها در قالب قراردادهای و به شکل کلی و در کنار دیگر مباحث بدان پرداختند. آثار ویلهلم لیتن^۱، احمدعلی سپهر، احمد بریمانی، تقی بهرامی، کریم جوانشیر، مروین. ل. انتنر^۲، چارلز عیسوی^۳، ابراهیم تیموری، فریدون آدمیت و منابع آرشیوی نظیر اسناد آرشیو وزارت خارجه و مرکز اسناد ملی ایران قابل توجه هستند^۴. افزون بر این به برخی از مجلات و ماهنامه‌ها می‌توان اشاره کرد که در قسمت منابع تحقیق آمده است. سعی بر این است تا به این تحقیق از نظر تاریخی و اقتصادی و تأثیرگذاری بر مناسبات ایران و روسیه پرداخته شود. تکیه اساسی تحقیق حاضر بر پایه اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه ایران است. هدف اصلی تحقیق حاضر تبیین جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه (تزاری و کمونیستی) و قلمرو این پژوهش از سال ۱۸۲۸م تا ۱۹۵۳م است؛ یعنی از عهدنامه ترکمانچای تا ملی شدن شیلات.

۱. شیلات شمال پیش از واگذاری به لیانازوف‌ها

دریای خزر با ۳۷۱ هزار کیلومتر مربع وسعت بزرگ‌ترین دریاچه دنیا است. میزان شوری آب آن بسیار کم است. بیشتر گونه‌های ماهی این دریا یوری هالاین^۵ و ۸۹ درصد آن‌ها بومی هستند. ۱۱ درصد باقیمانده را گونه‌های آب شیرین یا دریایی تشکیل می‌دهد (برکا، ۱۳۷۵: ۲۰۴).

1. Wilhelm Litten.
2. Mervin L. entener.
3. Charlze Issavi.

۴. در این زمینه لیانازوف‌ها کتابچه فارسی منتشر کردند که شامل متن اسناد و مدارک شیلات و اطلاعاتی در این زمینه است.

۵. Yourihaline (ماهی‌هایی که تحمل بالایی را نسبت به تغییرات شوری آب دارند نظیر انواع کفال).

دریای خزر با بهره‌گیری از آب‌های ورودی‌اش و رسوباتی که از این راه وارد آن می‌شود، محیط مساعدی را برای افزایش پلانکتون‌های گیاهی، جانوری، نرم‌تنان، سخت‌پوستان و ماهیان به وجود آورده است (مفخم‌پایان، ۱۳۷۵: ۳۴۲). ماهیان مختلف این دریا از انواع استخوانی و غضروفی نظیر: کیلکا، تاس‌ماهی، سفید، سوف، کپور، کفال و به‌ویژه ماهیان خاویاری در حیات اقتصادی مردم منطقه تأثیر خاصی از گذشته‌های دور تا به حال داشته است.

شیلات شمال ایران همواره مورد توجه اقوام حاشیه‌نشین و ساحلی دریای خزر بوده است. کلمه شیلات (شیل)^۱ خود گویای حضور فعال اهالی منطقه در زمینه صید و صیادی است (بریمانی، ۱۳۲۶: ۳۸). پیشینه بهره‌برداری آبریان دریا، چه در سواحل دریای خزر چه در سواحل خلیج فارس و دریای عمان به انسان‌های ماقبل تاریخ می‌رسد و تاریخ آن از ۱۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح تجاوز می‌کند. ولی آنچه از نظر مقررات دولتی و نظارت قوانین کشوری درباره شیلات در دست است، مربوط به زمان طاهریان است (جوانشیر، ۱۳۷۸: ۳۹۵). در دوره‌های بعد، مقداری از درآمد حکام محلی از راه صید ماهی در مناطق شمالی بوده است. در دوره صفویه از مستأجران شیلات شمال باج گرفته می‌شد. در برخی از دوره‌ها باج شیلات به حلی سنگین بود که مستأجران را ورشکست می‌کرد (زمانی، ۱۳۶۴: ۴۸).

از دوره صفویه رفت‌وآمد بازرگانان و ماهیگیران روسیه تزاری به گیلان و سایر نواحی شمال ایران آغاز شد. آن‌ها با پرداخت مبالغ ناچیز و با تقدیم هدایا به حکام کرانه‌های دریای خزر، اجازه صید می‌گرفتند. در زمان قاجار که آشنایی بیشتری با بهره‌برداری از آبریان دریای خزر حاصل شد، رودخانه‌های متعددی در فصول مهاجرت ماهیان از سوی حکومت ولایتی به اشخاص موردنظر واگذار می‌شد که از این طریق منافع سرشاری نصیب حاکم و کارگزاران وی می‌شد. همزمان با افول سلسه صفویه در ایران پطرکبیر در ۱۱۰۱ق / ۱۶۸۹م در روسیه قدرت را به دست گرفت که تسخیر ایران و رسیدن به خلیج فارس جزئی از نقشه‌های او بود. در این راستا روس‌ها در طی دو دوره جنگ‌های اول (۱۸۰۳-۱۸۱۳م) و دوم (۱۸۲۵-۱۸۲۸م) و با انعقاد قرارداد گلستان

۱. شیلات از شیل گرفته شده و شیل عبارت از سدی است که برای صید ماهی در عرض رودخانه از چوب درست می‌کردند؛ اما امروزه به شرکت صید و توزیع و فروش ماهی‌ها گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۲: ۲ / ۱۴۸۷).

۲۹ شوال ۱۲۲۸ ق / ۱۸۱۳ م) و ترکمانچای (پنجم شعبان ۱۲۴۳ ق / ۱۸۲۸ م) بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های ایران را در اختیار خود قرار دادند. در ضمیمه انعقاد عهدنامه تجاری ۵ شعبان ۱۲۴۳ / ۱۸۲۸ م برای تجارت اتباع روس در ایران امتیازات خاصی در نظر گرفته شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۲۲۲-۲۲۸ و ۲۳۰-۲۳۸؛ نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۳۷/۱-۲۶۷ و ۱۹۲/۲-۱۹۳). از این تاریخ تا واگذاری امتیاز شیلات در سال ۱۲۹۳ ق / ۱۸۷۶ م به میرزا حسین‌خان سپهسالار، حق صید و فروش ماهی در اجاره اشخاص روسی و ایرانی بود و این موضوع بعدها باعث بروز اختلافاتی شد و از این امر دولت روسیه برای پیشبرد مقاصد سیاسی سوء استفاده کرد و مشکلات زیادی برای ایران به وجود آورد.

شیلات شمال گیلان، مازندران و استرآباد در اجاره و اختیار افراد روسی و ایرانی - به ویژه روسی - بوده است. بنابر اسناد و مدارک موجود از دوره مربوطه روس‌ها وسایل و امکانات صیادی خوبی داشتند و افزون بر این مبلغ اجاره بالای آن‌ها نسبت به افراد ایرانی سبب شد بیشتر مستأجران از اتباع روسی باشند. این مسئله منجر به اختلافاتی میان مستأجران روسی و ایرانی و حتی بین اجاره‌دهندگان و مستأجران شد. برخی اوقات حاکمان مناطق مختلف بدون اجازه دولت و خودسرانه و بی اطلاع قبلی شیلات را به مستأجران واگذار کردند و این خود معضلاتی را به وجود آورد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۲۵۲/۵/۳-۱۲۵۳ ق). از مستأجران معروفی که با دولت ایران قرارداد امضا کردند و شیلات شمال ایران را اجاره کردند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: حاج میرباقر حاجی ترخانی و فرزندان او^۱، برخی افراد روسی نظیر: قراسیموف ارمنی^۲، استپان سوجایوف^۳ و کافثانیکوف^۴ (همان‌جا؛ تیموری، ۱۳۳۲: ۲۷۵-۲۷۶).

مشخص کردن وضعیت شیلات شمال ایران و قراردادهای منعقد شده در فاصله سال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۸۷۶ م دشوار است. یکی از این اسناد نامه حاجی میرزا آقاسی به وزیر مختار روس درخصوص ممنوعیت اجاره شیلات بدون اجازه دولت مرکزی است (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه:

۱. این خانواده ایرانی برای تجارت به قفقاز رفتند و در آنجا ساکن شدند.

2. Ghrassimov
3. Stepan sojayov
4. Kafsanikov

۱۲۵۲/۵/۳-۱۲۵۳ق؛ قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۸۵/۱-۸۶). برخی از اسناد به نوعی بازگوکننده اختلافات میان مستأجران شیلات شمال است (همان‌جا). در برخی از موارد، میان مستأجران اختلافاتی به‌وجود می‌آمد که باعث دخالت دولت‌مردان روسی و ایرانی می‌شد. نظیر اختلاف میان میر ابوطالب و قراسیموف ارمنی که هر دو از اتباع روسی به‌شمار می‌آمدند. وزیر مختار روسیه (غراف ایوان سیمونیچ^۱) نامه‌ای به میرزا مسعود، وزیر امور خارجه ایران، نوشت و نکته‌هایی را گوشزد کرد^۲ که به نوعی گویای حمایت از اتباع روسی بود (همان‌جا؛ قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۶۷/۱). نظیر اقداماتی که میان میر ابوطالب و قراسیموف با مستأجر روسی، سوجایف، از اجاره‌کنندگان شیلات رودخانه‌های مازندران، وجود داشته است. دولت ایران برای رفع اختلاف گام‌هایی را برداشت^۳ (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۲۵۲/۵/۳-۱۲۵۳ق).

۲. عوامل تأثیرگذار بر شیلات شمال و نقش میرزا آقاسی، امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری در تنظیم شیلات

در بررسی شیلات شمال ایران متغیرهایی وجود داشته است که در روابط تجاری شیلات شمال با اتباع روسی تأثیر عمیق و بنیادی داشت و آن‌ها را نباید نادیده گرفت. به کلی عوامل زیر در جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه تأثیرگذار بودند:

۱. تجهیزات و امکانات بیشتر روس‌ها در زمینه شیلات.
۲. امر حمل و نقل دریایی در سیطره کمپانی‌های معروف روسی بوده است.
۳. بسیاری از ماهیان در روسیه طرفدار داشت یا از طریق روسیه به اروپا صادر می‌شد؛ نظیر ماهیان خاویاری و سگک ماهی. از این نظر صاحبان ایرانی شیلات می‌توانستند تحت فشار دولت روسیه قرار گیرند.

1. Gharaf Ivan simonich

۲. سند تاریخ ۲۲ رمضان ۱۲۵۱ق.

۳. سند جمادی‌الثانی ۱۲۵۳ق.

۴. دولتمردان روسی مستأجران شیلات خود را در ایران به شدت مورد حمایت قرار می‌دادند.

۵. مبلغ اجاره مستأجران روسی نسبت به طرف‌های ایرانی آن‌ها بالا بود.

۶. مدیریت و تخصص روس‌ها در امر شیلات که عدم توجه به آن، بهره‌برداری از شیلات شمال ایران را با مشکل روبرو می‌کرد.

عوامل بالا باعث می‌شد اتباع ایرانی که شیلات را اجاره می‌کردند، بدون مساعدت و جلب نظر روس‌ها نتوانند از کار خود نتیجه خوبی بگیرند. در نتیجه مستأجران ایرانی شیلات برای پیشبرد کارشان به دولت مردان نزدیک می‌شدند تا از طریق سیاسی بتوانند همراهی و مساعدت روس‌ها را به دست آورند.

در اینجا به مخالفت سه تن از صدراعظم‌های قاجاریه درباره واگذاری شیلات شمال به روس‌ها پرداخته می‌شود. حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه قاجار مخالف دخالت روس‌ها در شیلات شمال بود و تا حد امکان سعی می‌کرد از اجاره دادن شیلات به اتباع روسی جلوگیری کند. در این زمینه به حکام مناطق شمال ایران نامه‌ای نوشت و تأکید کرد که بدون اجازه او شیلات را به اتباع روسی اجاره ندهند (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۷۷؛ آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۰۳). حاجی میرزا آقاسی از محمدشاه درخواست کرد تا همه شیلات دریای خزر را به او اجاره دهد. حتی تلاش می‌کرد هر ناحیه از سواحل دریای خزر را - که در اجاره روس‌ها بود و مدت آن خاتمه می‌یافت - دیگر به اتباع روسی اجاره ندهد (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۷۸).

از زمان محمدشاه بیشتر شیلات سواحل دریای خزر در اختیار مستأجران روسی بوده است. هرچند دولت ایران در این زمینه ناخرسند بود؛ اما توانایی فسخ اجاره‌نامه‌ها را نداشت (آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۰۳). به همین دلیل میرزا آقاسی چندان در کارش موفق نبود و با وجود تلاشی که برای جلوگیری از مداخله و کارشکنی روس‌ها در امر شیلات انجام داد، نتوانست از دخل و تصرف مأموران در زمینه شیلات دریای خزر و رودخانه‌های آن جلوگیری کند. وی در ربیع‌الاول ۱۲۶۲ق/ ۱۸۴۵م نامه‌ای به کنیاز دالگوروی، وزیر مختار روسیه نوشت و از او خواهش کرد تا در شیلات دریای مازندران، از اترک تا آستارا - که محمدشاه به او واگذار کرده - از مداخله و

اخلالگری مستأجران روسی جلوگیری کند. دالگوروکی هم قول همکاری داد (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۸۲-۲۸۴).

میرزاتقی‌خان فراهانی (امیرکبیر)، صدر اعظم ناصرالدین‌شاه، یکی از بزرگترین شخصیت‌های سیاسی عصر ناصری بود. وی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به‌ویژه در زمینه تجارت بسیار تلاش کرد. یکی از کارهای امیرکبیر در امر اقتصاد ملی، کوتاه کردن دست اتباع روسی از حوزه شیلات دریای خزر بود. او در دوران صدارت خویش در جلوگیری از گسترش و توسعه نفوذ اتباع خارجی به‌خصوص روس و انگلیس بسیار کوشش کرد. ناهماهنگی اوضاع شیلات و دخالت نمایندگان سیاسی روسیه به‌دلیل حفظ منابع اتباع روسی از جمله مواردی بود که امیرکبیر را به فکر اصلاح آن انداخت. از این رو تصمیم گرفت تا شیلات دریای خزر را در اختیار میرزا ابراهیم‌خان دریابگی، تبعه ایران، قرار دهد (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۸۷-۲۸۸؛ آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۰۳-۴۰۴). مدت این امتیازنامه چهار سال بود و تأکید شد در پایان هر سال مبلغ اجاره در سر موعد پرداخت شود، در غیر این صورت دولت اجازه فسخ قرارداد را خواهد داشت. موضوع اجاره دادن شیلات دریای خزر به میرزا ابراهیم‌خان منجر به اعتراض دولت روسیه شد. وزیر مختار روسیه هم به شکل‌های مختلف، شکایت و کارشکنی می‌کرد. امیرکبیر به این اعتراضات توجه نکرد و اجاره شیلات دریای خزر را به میرزا ابراهیم‌خان داد. میرزا ابراهیم‌خان بعد از آن که دو سال شیلات را در اجاره خود داشت، در پرداخت حق و قسط دیوانی در موعد مقرر کوتاهی کرد؛ زیرا احتمال می‌داد به‌دلیل شراکت مالی قبلی با دیگر اتباع روسی، مأموران روسیه تزاری در این امر دخالت کنند. علاوه بر این خویشاوندان میرزا ابراهیم در روسیه علیه او ادعاهای مالی داشتند، در نتیجه امیرکبیر به موجب شرط اجاره‌نامه، قرارداد با او را فسخ کرد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۰۴؛ تیموری، ۱۳۳۲: ۲۸۹). از اواخر سال ۱۲۶۷ق / ۱۸۵۰م امیرکبیر شیلات دریای خزر را به نظارت و اداره مستقیم دولت مرکزی درآورد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۰۴-۴۰۵).

به‌نظر می‌رسد بعدها و در سال ۱۲۷۵ق / ۱۸۵۸-۵۹م میرزا ابراهیم‌خان با تعهد پرداخت ۵۵۰۰ تومان در سال توانست صیدگاه انزلی و اطراف را از عبیدالملک، حاکم گیلان، اجاره کند. او با گرفتن عنوان «دریا بیگی» حق استفاده از این امتیاز را برای تمامی اعضای خانواده‌اش حفظ کرد و

کار صیدگاه و اداره بندر انزلی تا سال ۱۲۸۹ق / ۱۸۷۳م و هنگام واگذاری شیلات شمال به لیانازوف در اختیار این فرد بود (رایینو، ۱۳۶۶: ۱۵۷).

یکی دیگر از صدر اعظم‌های ناصرالدین‌شاه میرزا آقاخان نوری بود. وی که بعد از قتل امیرکبیر به صدرات رسید از جمله کسانی بود که سعی داشت از دخالت روس‌ها در دریای خزر و شیلات آن بکاهد. به نظر می‌رسد وابستگی وی به انگلستان در این زمینه مؤثر بوده است. در همین راستا او از ورود کشتی‌های جنگی روسیه به مرداب انزلی جلوگیری کرد. علاوه بر این در امر صید ماهی با اجاره دادن شیلات به اتباع روسی مخالفت کرد. در دوران صدارت او از سوی مأموران ایرانی نسبت به اتباع و صیادان روسی سخت‌گیری می‌شد، لذا وزیر مختار دولت روسیه نامه اعتراض آمیزی در جمادی‌الثانی ۱۲۶۹ق / ۱۸۵۲م به او نوشت (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۸۹).

توجه دولت روسیه به امر شیلات - که این مسئله در تقاضای مأموران سیاسی و کنسولی در گرفتن اجاره شیلات برای مستأجران روسی به خوبی آشکار بود - بعد از اعتراض دولت روسیه نسبت به قرارداد رویترا تا حدی می‌توانست روابط ایران و روسیه را بهبود بخشد (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۹۲؛ بندر و دریا، ۳۸) از سویی دیگر از نظر امکانات مادی و وسایل صیادی و تخصصی در این زمینه روس‌ها مهارت زیادی داشتند؛ علاوه بر این، مبلغ اجاره آن‌ها از مستأجران ایرانی بیش‌تر بود. این عوامل سبب شد تا میرزا حسین‌خان سپهسالار برای پایان بخشیدن به وضع نابسامان شیلات شمال، آن را از ناصرالدین‌شاه اجاره و بعد از آن به مستأجران روسی واگذار کند (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۹۲-۲۹۳).

۳. لیانازوف‌ها و امتیاز شیلات شمال

بعد از آنکه پیشنهاد دریافت امتیاز شیلات شمال از سوی میرزا حسین‌خان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، پذیرفته شد و به تصویب رسید، اجاره‌نامه‌ای تنظیم و به امضای طرفین رسید. این قرارداد در جمادی‌الآخر ۱۲۹۳ق / ۱۸۷۶م به مدت ۱۰ سال با مبلغ اجاره سالانه ۳۱ هزار تومان منعقد شد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۵/۱۰/۱۲۹۳ق).

میرزا حسین خان سپهسالار بعد از آنکه قرارداد را با شاه امضا کرد، شیلات دریای خزر را به موجب قراردادی در ۱۲ یون^۱ ۱۸۷۶م/۱۲۹۳ق به استپان مارتینوویچ لیانازوف^۲ اجاره داد. لیانازوف از بازرگانان حاجی ترخانی، تبعه روس، بود. بعد از مدتی به دلیل اختلاف و عدم پرداخت مبلغ اجاره از سوی لیانازوف، مشکلاتی به وجود آمد؛ در نتیجه مأموران ایرانی به دستور سپهسالار با اطلاع سفارت روسیه لوازم صیادی لیانازوف را ضبط کردند. سرانجام بعد از مذاکراتی که میان ملیک بیگلروف^۳، وکیل لیانازوف، با میرزا حسین خان سپهسالار در تهران انجام شد، طی مصالحه‌نامه‌ای اختلافات به وجود آمده برطرف شد و قرار شد شیلات به لیانازوف و شرکای او اجاره داده شود (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۹۳-۲۹۴).

بعد از حل اختلافات میان میرزا حسین خان سپهسالار و لیانازوف و امضای مصالحه‌نامه، قرارداد جدید میان میرزا حسین خان سپهسالار در ۷ ذی‌قعدة ۱۲۹۶ق / ۴ اکتبر ۱۸۷۹م به مدت پنج‌سال و به مبلغ اجاره هرساله پنجاه‌هزار تومان با چهار بازرگان روسی به نام‌های برادران شاد میروویچ ملیک بیگلروف، لوآرساب ملیک بیگلروف^۴ و استپان مارتینوویچ لیانازوف و ملیک آزاریانس^۵، از تاجران تفلیس، طبق شروطی به امضا رسید (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۹۵-۲۹۶). طبق این قرارداد روس‌ها امتیاز ماهیگیری تمامی سواحل دریای خزر و رودخانه‌های آن را در شمال به دست آوردند. تنها منطقه‌ای که شامل این قرارداد نمی‌شد منطقه سرتک (میان قلعه میان کاله) بوده است که روس‌ها حق ساختن هیچ‌گونه تأسیسات ماهیگیری در آن نداشتند.

میرزا حسین خان سپهسالار یک‌سال بعد از امضای امتیازنامه شیلات با لیانازوف و شرکایش در شوال ۱۲۹۷ق / ۱۸۷۹م از مقام صدارت عزل و به قزوین تبعید شد. به فرمان ناصرالدین‌شاه از سپهسالار خواسته شد تا اجاره‌نامه شیلات و اسناد مربوط به آن را به تهران بفرستد. در پی آن میرزا

۱. برابر ژوفن

2. Stepan Mrtinovitch Lianozov

3. Melik Bgliyarov

4. Melik Bgliyarov

5. A. A. Melik azarian

حسین خان سپهسالار اسناد اجاره‌نامه شیلات را در اختیار ناصرالدین شاه قرار داد (قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۱۹۵/۲-۲۰۱؛ تیموری، ۱۳۳۲: ۲۹۸-۲۹۹). در ۲۲ شوال ۱۲۹۷ق/ ۱۶ سپتامبر ۱۸۸۰م سپهسالار نامه‌ای به وزیر مختار روس مبنی بر انتقال امور شیلات به ناصرالدین شاه نوشت که این نامه به سفارت روسیه ارسال نشد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۴/۱۶/۱۲۹۶ق؛ تیموری، ۱۳۳۲: ۲۹۹-۳۰۱).

بعد از خارج شدن امتیاز شیلات از انحصار میرزا حسین خان سپهسالار، ناصرالدین شاه شیلات را در اختیار فرزند خود کامران میرزا نایب‌السلطنه قرار داد. در طی مدت اجاره قبلی، لیانازوف با کامران میرزا مذاکره کرد که بعد از پایان یافتن موعد قرارداد قبلی، شیلات را خود به تنهایی اجاره کند و در ضمن تأکید کرد که سالانه شش هزار تومان بر اجاره قبلی اضافه خواهد کرد. لذا قراردادی در ششم جمادی‌الثانی ۱۳۰۰ق/ اول آوریل ۱۸۸۳م میان کامران میرزا و میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه، از یک سو و استپان لیانازوف از سوی دیگر بسته شد. این قراردادنامه در هشت شرط تنظیم شد و مدت آن شش سال و شروع آن از اول اکتبر ۱۸۸۴م/ ۱۳۰۱ق بود و تقریباً شرایط امتیازنامه به استثنای حق اختیار صید ماهی پولک‌دار (حلال) مانند قرارداد قبلی بود (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۷/۲۵/۱۲۹۹ق؛ قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۲۱۳/۲-۲۱۷). در دوران بعدی قرارداد شیلات شمال با استپان لیانازوف و وراث او تمدید شد.

بعد از برکناری میرزا حسین خان سپهسالار از صدارت، میرزا علی اصغر خان (امین‌السلطان) به صدراعظمی رسید. در زمان او فرمان آزادی کشتیرانی در رود کارون با میانجیگری اش در ۲۰ ربیع الاول ۱۳۰۶ق/ ۱۸۸۸م به نفع انگلیس صادر شد. روس‌ها با سکوت در مقابل این اقدام قرارداد شیلات شمال را تمدید کردند و بر اجاره سالانه آن چهار هزار تومان افزودند (نگاهی گذرا به تاریخچه...، ۳۸). در ربیع‌الثانی ۱۳۰۶ق/ ۱۸۸۸م قرارداد مذکور منعقد شد. زمان شروع این قرارداد از اول اکتبر ۱۸۹۰م/ ۱۳۰۸ق و مبلغ اجاره سالانه آن شصت هزار تومان بود. سایر شروط قرارداد همانند قرارداد قبلی بود (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۰۲؛ لیتن، ۱۳۶۷: ۱۱۶). بعد از آن در ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۱ق/ ۲۰ سپتامبر ۱۸۹۳م قرارداد دیگری برای تمدید آن بسته شد که تاریخ شروع آن از اول

اکتبر ۱۹۱۱م / ۱۳۲۹ق بود. مبلغ اجاره سالانه آن در این قرارداد ۲۴ هزار امپریال^۱ روسی - برابر با چهارصد و هشتاد هزار فرانک طلای فرانسوی ذکر شد. هرگاه طرفین قصد فسخ قرارداد را داشتند می بایست مبلغ ۶۰۰ هزار فرانک می پرداختند. سایر شرایط قرارداد مذکور مانند گذشته بود (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۰۲؛ لیتن، ۱۳۶۷: ۱۱۶).

بعد از مرگ ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ق / ۱۸۹۶م مظفرالدین شاه روی کار آمد. در همین سال استپان لیانازوف درگذشت و فرزندش گئورگی لیانازوف^۲ قرارداد شیلات دریای خزر را در زمان صدرات میرزا علی اصغرخان (امین السلطان) - که پیش از این صدراعظم ناصرالدین شاه بود - با دولت ایران در ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۱۴ق / ۱۰ اکتبر ۱۸۹۶م تمدید کرد. شرایط این قرارداد همانند قرارداد ۱۳۱۱ق / ۱۸۹۳م بود و پنج سال به آن اضافه شد. به عبارتی شیلات تا اول اکتبر ۱۹۲۵م / ۱۳۴۴ق در اجاره لیانازوف قرار گرفت. مبلغ اجاره هر ساله ۲۵ هزار نصف امپریال روسی بود^۳ (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۰۲-۳۰۳).

همانگونه که ذکر شد قرارداد شیلات شمال قبل از آنکه خاتمه پذیرد دوباره با مبلغی معین تمدید می شد. بعد از مرگ گئورگی لیانازوف در ۲۷ محرم ۱۳۱۶ق / ۶ ژوئن ۱۸۹۹م شیلات شمال در اختیار ورثه او قرار گرفت.

در جریان انقلاب مشروطه که عین الدوله، صدراعظم مستبد ناصرالدین شاه، در مسیر سقوط قرار گرفته بود، روس ها و آربکف^۴ از جمله اوصیای لیانازوف از حمایت دولت قاجاری دست برنداشتند. در نتیجه قرارداد مخصوصی در ۱۷ صفر ۱۳۲۴ق / ۳۰ مارس ۱۹۰۶م با پرداخت اجاره بهای سه سال آینده (۱۹۰۷-۱۹۰۹م) به مبلغ یک میلیون و سیصد و هفتاد هزار فرانک (۱/۳۷۰/۰۰۰ فرانک) و با کم کردن بهره آن که صدی شش درصد در سال بود، میان نماینده قیم های ورثه گئورگی لیانازوف با عبدالمجید میرزا عین الدوله منعقد شد. این قرارداد به دولت

۱. هر امپریال معادل بیست فرانک طلا فرانسوی بود.

2. Georgiy Lianozof

۳. معادل ۵۰۰ هزار فرانک طلا فرانسوی.

4. Arbekov M.

عین الدوله به دلیل مضیقۀ مالی و بی‌پولی خزانه دولت کمک زیادی کرد (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۰۳؛ نگاهی گذرا به تاریخچه...، ۳۹).

با وقوع انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷م/ ۱۳۳۶ق و ممنوعیت حمل پول طلا از روسیه و بهانه لیانازوف‌ها به دلیل انقلاب روسیه آن‌ها نتوانستند به موقع اجاره‌بهای شیلات را پردازند، در نتیجه در دوران نخست‌وزیری صمصام‌السلطنه، مشارالملک، وزیر مالیه در ۲۱ شعبان ۱۳۳۶ق/ اول ژوئن ۱۹۱۸م/ ۱۲ خرداد ۱۲۹۸ش قرارداد شیلات شمال را با لیانازوف‌ها لغو کرد. در ۱۴ رمضان ۱۳۳۷ق/ ۱۳ ژوئن ۱۹۱۹م در دوران نخست‌وزیری حسن وثوق (وثوق‌الدوله)، عاقد قرارداد ننگین ۱۹۱۹م/ ۱۳۳۸ق، شیلات دریای خزر به ضمانت تجارتخانه تومانیانس^۱ به شخصی به نام گریگور پتروویچ وانتیتسف^۲، تبعۀ روس، به مدت بیست سال اجاره داده شد. طبق قرارداد هرساله نیمی از درآمد خالص به ایران تعلق می‌گرفت. از آنجا که وانتیتسف نتوانست بر اساس قرارداد مذکور عمل کند، در نتیجه در ۲۳ شعبان ۱۳۳۹ق/ ۲ می ۱۹۲۱م این قرارداد لغو شد و اموال و دارایی شیلات در عوض طلب دولت مرکزی ضبط و توقیف شد^۳ (سازمان اسناد ملی ایران، ش ۲۴۰۱۶۸۱ و ۲۴۰۱۶۵۲۷؛ بهرامی، ۱۳۳۰: ۱۱۴-۱۱۵).

شکایت و اعتراض وراث لیانازوف سبب شد برای رفع اختلافات میان آن‌ها و دولت ایران کار به حکمیت و داوری کشانده شود. محکمۀ حکمیت در آبان ۱۳۰۱ش/ ۱۹۲۲م تشکیل شد. بعد از رسیدگی احکام، علیه دولت ایران رأی صادر شد و قرار شد بهره‌برداری از شیلات تا پایان مدت در اختیار وراث لیانازوف قرار بگیرد و زیان هفت سال دیگر نیز به آن اضافه شود. با روی کار آمدن کمونیست‌ها در روسیه و انعقاد قرارداد مودت در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱م/ ۸ اسفند ۱۲۹۹ش با ایران، به موجب فصل چهاردهم، دولت روسیه خواهان بستن قرارداد در زمینۀ شیلات با ایران شد. دولت ایران در این زمان اجازه داد تا محصول شیلات به قیمت عادلانه به روسیه فروخته شود. در ۱۶ نوامبر ۱۹۲۲م/ ۲۴ آبان ۱۳۰۱ش به دلیل آنکه وراث لیانازوف‌ها به سن بلوغ رسیدند، بر اساس

1. Tomaniantz

2. G. P. Wantitessov

۳. اسناد مربوط به لغو امتیاز شیلات

تقسیم‌نامه‌ای دارایی این خانواده میان فرزندانش تقسیم شد. طبق این تقسیم‌نامه، شیلات انزلی تا آستارا (همراه با امکانات و تجهیزات) به مارتین لیانازوف تعلق گرفت. او این امتیاز را به اداره مؤسسات صیادی روسیه کمونیستی واگذار کرد^۱ (همان، ش ۲۴۰۰۱۶۶۶۱).

۴. شیلات در زمان رضاشاه

با شکل‌گیری انقلاب کمونیستی در روسیه (اکتبر ۱۹۱۷) هرچند فراز و نشیب‌هایی در روابط ایران و روسیه به‌وجود آمد؛ اما فرصت دیگری پیش آمد تا در قالب گفتگوهای مسالمت‌آمیز با ایران و با تجدیدنظر در روابط گذشته به روابط خود با ایران ادامه دهند (*Dokumenty vneshnei*) *politiki SSSR, 1957: 12*. در این ارتباط همانند گذشته بر سلطه مناطق ساحلی دریای خزر اصرار داشتند و از هیچ کوششی دریغ نکردند. حتی در جریان سرکوبی ضد انقلابیون و مدتی بعد از آن با نیروهای انگلیسی در شمال ایران درگیر شدند (Genis, 2000: 68).

پس از روی کار آمدن رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش / ۱۹۲۵-۱۹۴۱م) مقامات روسیه کمونیستی خواستند تا با دقت بیشتری کارهای رضاخان را بررسی کنند تا با تحلیل‌های مناسب، از این رویداد تاریخی نتایج مثبتی به‌دست آورند. در این راستا سعی داشتند از سلاح اقتصادی بهره‌برداری کنند (لنچافسکی، ۱۳۵۶: ۱۱۲-۱۱۵). رضاشاه همواره از دخالت مسکو می‌ترسید، به‌خصوص از سرنگونی توسط حزب کمونیست ایران. اگرچه وی برای توسعه استان‌های شمالی عادی‌سازی روابط را درخواست کرد (Mokhtari, 1998: 53). دولت روسیه کمونیستی با وجود مشکلات اقتصادی تلاش می‌کرد تا سواحل و مناطق شمالی ایران را با توجه به هم‌مرز بودن و امتیازات گذشته این کشور مانند فروش نفت در این ناحیه و آشنایی بیشتر مردم با روسیه مورد توجه قرار دهد و سعی می‌کرد هدف اصلی خود را که همانا اختیارات و نفوذ گسترده آنان در این منطقه بود، پنهان نگه دارد (Fatemi, 1952: 12).

۱. اسناد درخصوص اقدامات لازم برای رسیدگی به دعاوی وراثت لیانازوف و جلوگیری از تصرفات او است.

مناطق شمالی ایران به دلیل نداشتن راه‌های ارتباطی با نقاط داخلی و نیز همسایگی با روسیه و داشتن مرز مشترک و توان و ظرفیت بالای روسیه در جذب محصولات کشاورزی و دامی ایران، به شدت به روسیه وابستگی اقتصادی داشتند. وابستگی اقتصادی بخش‌های شمالی را می‌توان در اظهار پتروففسکی^۱، سفیر روسیه در تهران (اکتبر ۱۹۲۱م/ مهر ۱۳۱۰ش) درک کرد: «اگر ما خرید خود را متوقف کنیم ایران طی یک ماه ورشکست می‌شود.» (الهی، ۱۳۶۱: ۲۷-۲۸).

دولت کودتا (۱۹۲۰م/ ۱۲۹۹ش) برای کاهش وابستگی خود به بریتانیا، در صدد برقراری روابط دیپلماتیک با روسیه برآمد. روس‌ها که بعد از عهدنامه مودت (۱۹۲۱م/ ۱۳۰۰ش) در گرفتن امتیاز شیلات و صیادی با ایران چانه‌زنی زیادی می‌کردند، سرانجام در اول اکتبر ۱۹۲۷م/ مهر ۱۳۰۶ش قرارداد ۲۵ ساله‌ای با ایران منعقد کردند (Degras, 1951: 244-245) که به موجب ماده اول آن امتیاز بهره‌برداری از شیلات دریای خزر به استثنای رودهای آن به یک شرکت مختلط ایران و شوروی واگذار شد (در دوران نخست‌وزیری قوام‌السلطنه). سهام روسیه و ایران در این قرارداد هریک ۵۰ درصد بوده است (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۰۷؛ بهرامی، ۱۳۳۰: ۱۱۵-۱۳۱).

در پی عهدنامه مودت با شوروی، دولت ایران حاضر شد بر سر شیلات شمال با اداره ارزاق شوروی قراردادی درباره صید ماهی منعقد کند (وحیدمازندرانی، ۱۳۴۱: ۳۱؛ منشورگرگانی و رفیعی مهرآبادی، ۱۳۶۸: ۱۵۹)؛ اما قوام از انجام این کار خودداری کرد. با روی کار آمدن کابینه مشیرالدوله در بهمن ۱۳۰۰ش، حق انحصاری بهره‌برداری از ماهیان انزلی و حسن‌کیاده به روسیه واگذار شد؛ اما پس از چندی دولت ایران به علت تعلل روسیه در پرداخت اجاره‌بهای شیلات در مناطق مذکور، کشتی‌های باری روسیه را متوقف و لوازم لیانازوف‌ها را در مقابل بدهی ضبط کرد که با اعتراض دولت روسیه روبرو شد (آرشيو اسناد وزارت امور خارجه، ش ۷۱، ۶۴/۱/ ۱۳۰۰ش؛ تفرشی، ۱۳۷۲: ۳۶؛ مدنی، ۱۳۷۶: ۳/۲). وراث لیانازوف نیز معترض شدند و سعی داشتند با افزایش اجاره‌بها و وارد کردن دولت در منافع شیلات، به جلب نظر دولت ایران پردازند (ستاره ایران، ۲). در این زمینه و در جریان مذاکرات مسکو روس‌ها تلاش کردند نه تنها شیلات را برای خود محفوظ نگه دارند، بلکه درباره نفت شمال چانه‌زنی کنند (Aliev, 2004: 131). به‌هرروی در

شرکت‌های روسی در روابط بازرگانی ایران و روسیه به‌خصوص در تجارت ابریشم، پنبه، برنج و دیگر محصولات کشاورزی نقش مهمی را داشتند (Palyuka tis, 1965: 200-201).

در آغاز سلطنت رضاشاه، مهم‌ترین مسئله در روابط خارجی با کشورهای دیگر، روابط خارجی با دولت روسیه و از مهم‌ترین مسائل روابط تجاری و بازرگانی با این کشور و مسئله شیلات دریای خزر بود که همچنان حل‌نشده باقی مانده بود؛ اما دولت ایران به‌دلیل فشارهای دولت روسیه که درصدد تصرف امتیاز شیلات شمال بود (ایران، ۱۳۰۲: ۲) مانع از اجرای رأی حکمیت شد که با اعتراضات متعدد خانواده لیانازوف همراه بود.

دولت ایران برای جلوگیری از هرگونه مخالفت روسیه سعی کرد مسئله شیلات را با ارجاع به دادگاه بین‌المللی لاهه حل کند (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۰۳: ش ۲۸) که بار دیگر با اعتراض دولت روسیه مواجه شد (همان، ۱۳۰۲: ش ۹۸-۱-۵۶). حتی در این زمان دولت شوروی - که رابطه‌اش را با ایران قطع کرده بود- ادامه روابط با ایران را منوط به تأمین منافع خود (همان، ش ۹۸-۱-۵۶) در سواحل جنوبی دریای خزر اعلام کرد و حتی با پیاده کردن ۵۰ سوار مسلح در آب‌های ساحلی ایران در حسن‌کیاده به تهدید نظامی اقدام کرد. همچنین در دیدار ۵ خرداد ۱۳۰۳/ ۲۵ می ۱۹۲۴، ادامه روابط دوستانه با ایران را منوط به حفظ منافع دولت روسیه در سواحل جنوبی دریای خزر و واگذاری شیلات این دریا برای مدت معین به روسیه دانست (همان، ۱۳۰۳: ش ۱۵۰-۱-۵۶) و پیشنهاد کرد که قرارداد شیلات یک‌باره در مجلس منعقد شود تا با مخالفت نمایندگان روبه‌رو نشود (همان‌جا).

در ۲۳ خرداد ۱۳۰۳ ش (۱۳ ژوئن ۱۹۲۵)، رضاشاه برای رسیدگی کامل به مسئله شیلات دستور تشکیل کمیسیونی از نمایندگان ایران و روسیه را داد. در این کمیسیون، نمایندگان روسیه، پیشنهاد دادند تا یک شرکت اجاره‌ای مختلط بین ایران و روسیه را تأسیس کنند. اگرچه دولت ایران با تشکیل شرکت مختلط شیلات ایران و روسیه موافقت کرد؛ اما دکتر میلسپو، رئیس کل مالیه کشور - که بررسی امتیازات و پیشنهادات اقتصادی کشورهای خارجی را بر طبق وظایف محوله در قرارداد استخدامی از وظایف خود می‌دانست- آن را منافی منافع سیاسی و اقتصادی ایران خواند و

پس از اینکه این لایحه را ذکاءالملک فروغی رئیس‌الوزرا وقت به مجلس برد با اعتراض نمایندگان مجلس از جمله دکتر مصدق روبه‌رو و رد شد (شفق سرخ، ۳؛ مصدق، ۱۳۷۲: ۱۶۵).
 بر طبق گزارش‌ها و تحلیل‌های سیاسی، با انعقاد قرارداد شیلات، نفوذ روسیه در شمال ایران محکم شد و روسیه با بروز هرگونه ناامنی در این مناطق، بهانه لازم را برای اعزام نیروی نظامی‌اش به خاک ایران، با هدف ایجاد نظم و حفظ منافع خود در منطقه به‌دست آورد و به‌تدریج بنادر ساحلی جنوب دریای خزر را در سلطه خویش درآورد و با حضور متخصصان روسی در شیلات و سایر صنایع شمال، ایران به‌مرور به منطقه نفوذ دولت روسیه تبدیل شد^۱ (سازمان اسناد ملی ایران، ش ۲۴۰۰۱۷۳۴۳).

دولت روسیه پس از آگاهی از رد لایحه شیلات مختلط، با اعلام عدم حضور در هیچ کمیسیون مشترک در زمینه صید و صیادی در آب‌های دریای خزر، دولت ایران را به اجرای فصل ۱۴ عهدنامه ۱۹۲۱ تهدید کرد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۰۴: ش ۱۵۴ - ۵۸° ۵) و در این زمینه و در اولین اقدام خود، روابط اقتصادی با ایران را متشنج کرد. مجلس شورای ملی سرانجام لایحه تأسیس شرکت شیلات مختلط ایران و روسیه را که در ۲۷ ماده، پنج مرسله و پنج صورت‌مجلس تنظیم شده بود و در هشتم مهر ۱۳۰۶ ش به امضای نمایندگان دو کشور، علیقلی خان انصاری، وزیر امور خارجه ایران و لومیکایلویچ کاراخان، قائم‌مقام کمیسر ملی امور خارجه روسیه کمونیستی رسیده بود، در ۳۰ مهر ۱۳۰۶ ش (۲۳ اکتبر ۱۹۲۷)، به تصویب رساند. طبق ماده اول و دوم حدود قرارداد همانند قرارداد با لیانازوف بود (حسینی فراهانی، ۱۳۶۲: ۵۳-۵۵؛ بهرامی، ۱۳۳۰: ۱۱۵-۱۱۶).

مدت امتیاز کمپانی مختلط ۲۵ سال بود و بعد از آن در صورت عدم علاقه دولت ایران، کمپانی منحل و تمام دارایی کمپانی به‌جز اراضی‌ای که از سوی دولت ایران بر طبق ماده ۱۷ همین قرارداد، مجانی به کمپانی داده شده بود، به‌شکل مساوی میان دو طرف تقسیم می‌شد، سپس آن اراضی که متعلق به دولت بود در صورتی که کمپانی نمی‌توانست مدت قرارداد را تمدید کند

۱. یادداشت میلسپو درباره قرارداد پیشنهادی سفارت روس راجع به شیلات دریای خزر در ۱۵ میزان ۱۳۰۳ ق

تا مدت ۲۵ سال بعد از این امتیاز، نباید به کشور ثالثی واگذار می‌شد. سهم دو کشور ایران و روسیه از عایدات کمپانی، هریک ۵۰ درصد بود و کمپانی موظف بود تا محصولات شیلات را به بهترین قیمت در بازارهای ایران و روسیه و بازارهای خارجی با در نظر گرفتن قیمت مرجح به فروش برساند (سپهر، ۱۳۷۴: ۲۰۷/۱-۲۲۳؛ رشیدی، ۱۳۸۶: ۹۰/۱-۹۳).

در سال ۱۳۰۸ ش وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه، نامه‌ای به سفارتخانه‌های ایران در فرانسه، آلمان، انگلیس، لهستان، ایتالیا، بلژیک و آمریکا فرستاد تا به وسیله سفارتخانه‌ها قیمت محصولات شیلات سواحل جنوبی دریای خزر را در اروپا و آمریکا به دست آورد و در نتیجه بازارهای جدیدی غیر از بازارهای روسیه برای محصولات شیلات کمپانی فراهم کند (جهان‌آرا، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۶).

شرکت شیلات موظف بود محصولات خود را با بهترین قیمت در بازارهای ایران یا روسیه یا در بازارهای خارجه به فروش برساند؛ اما دولت روسیه کمونیستی در طی ۲۵ سال تمامی محصولات شیلات را فقط به اداره ارزاق دولت روسیه و شعبات آن می‌فروخت و آن را به روسیه یا کشورهای اروپایی صادر می‌کرد، سپس به ده‌ها برابر قیمتی که از کمپانی خریداری کرده بود، به فروش می‌رساند (منشور گرگانی، ۱۳۶۸: ۲۹۷؛ رشیدی، ۱۳۸۶: ۹۳/۱).

ملی شدن شیلات شمال ایران

شرکت مختلط ماهی ایران و روسیه طی ۲۵ سال فعالیت مداوم، لطمات جبران‌ناپذیری بر زنجیره حیات اقتصادی مبتنی بر بهره‌برداری مستمر از منابع طبیعی - به خصوص آبی - وارد کرد. با توجه به آمار صید و بهره‌برداری از ماهیان دریایی خزر مربوط به دوره قبل از ملی شدن شیلات و سال‌های بعد از آن به روشنی می‌توان کاهش شدید ذخایر ماهیان را در محدوده فعالیت‌های صیادی شیلات ملاحظه کرد. مصدق که از آثار شوم امتیاز بهره‌برداری شیلات توسط روس‌ها آگاهی داشت، شیلات را ملی اعلام کرد. پیش از این مصدق در مجلس ششم شورای ملی در زمان رضاشاه در ۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م با جریان واگذاری انحصاری شیلات شمال به روسیه مخالفت کرد.

در ۱۱ بهمن ۱۳۳۱ش (۳۱ ژانویه ۱۹۵۳م) شرکت مختلط شیلات ایران و روسیه از سوی دولت ایران به دلیل پایان یافتن قرارداد و حاضر نشدن دولت ایران به تمدید آن خاتمه پذیرفت و منحل شد. دارایی این شرکت بر اساس قرارداد قبلی میان طرفین تقسیم شد و شیلات ایران آزاد شد و طی دو سال بهای تمام سهام دولت روسیه با تحویل کالای ماهی و خاویار به آن دولت پرداخت شد. البته دولت روسیه خواهان تمدید قرارداد بود و در این زمینه حزب توده و روزنامه حزب توده از روس‌ها طرفداری می‌کردند و اقدام دولت ایران را در این راستا سرزنش کردند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۶۶-۱۶۸؛ جوانشیر، ۱۳۷۸: ۳۹۹). دارایی این شرکت بر اساس قرارداد قبلی میان طرفین تقسیم شد (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۰۸؛ عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۹۵). بعد از آن شرکت سهامی ایران با سرمایه صد درصد ایرانی به وجود آمد (بندر و دریا، ۳۹).

سرانجام با وجود تمام ناملازمات سیاسی - تجاری در عرصه شیلات میان ایران عصر قاجار و دوره پهلوی با روسیه تزاری و کمونیستی، در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ش / ۱۳۷۳ق / ۱۹۵۳م و در دوران زمامداری محمد مصدق ملی شد. این واقعه در راستای سیاست موازنه منفی دولت مصدق ارزیابی می‌شود به ده‌ها سال غارت منابع ملی ایران در عرصه شیلات توسط همسایه شمالی این کشور خاتمه داد. این امر پس از پایمردی‌ها و مجاهدات بسیار مصدق و برخی دیگر از رجال سیاسی ایران همچون میرزا احمدعلی خان سپهر (مورخ الدوله سپهر) که در این زمان ریاست هیئت مدیره شرکت شیلات ایران و روسیه را عهده‌دار بود، به وقوع پیوست. هیئت وزیران در شهریور ۱۳۳۲ (۱۹۵۳م) آئین‌نامه صید ماهی را در چهار فصل و ۳۳ ماده تصویب کرد که در آن آئین‌نامه کلیه شرایط مربوط به صید و صیادی، وسایل و آلات صید، صدور پروانه صید و حفاظت آب‌ها مشخص شد.

هزینه‌ها و درآمدهای لیانازها در زمینه شیلات شمال

قرارداد شیلات شمال در آمد فوق‌العاده‌ای را برای خانواده لیانازوف ایجاد کرد. اگر نگاهی به مبالغ اجاره‌بهای آن شود با درآمد هنگفت آن قابل مقایسه نیست؛ هرچند می‌توانست منبع درآمد خوبی برای دولت مردان ایران باشد. در کلیه اسناد و مدارک موجود در تشکیلات شیلات شمال تا

قبل از ۱۳۱۲ش (۱۹۳۳م) هیچ‌گونه آماری از میزان صید نمی‌توان یافت. وقوع جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م)، موجب دشواری‌های بسیاری در عرصه سیاسی و اقتصادی روسیه شد، حتی وارثان لیانازوف از پرداخت اجاره‌بهای ناچیز درمانده بودند. لیانازوف صنعتی را تأسیس کرد که پیش از جنگ جهانی اول، سالانه بیش از ۵۴۰ هزار پوند خاویار (نزدیک به ۲۳ تن) تولید می‌کرد. درآمد دولت ایران از این راه در حدود ۲۰ هزار لیره انگلیسی بود (دنیای اقتصاد، ۳۰). طبق برآورد لیتن لیانازوف‌ها برای سال‌های ۱۸۸۸-۱۹۲۵م / ۱۳۰۶-۱۳۴۴ق مبلغ ۱۰ میلیون روبل (۲۰ میلیون فرانک) در زمینه شیلات دریای خزر هزینه و سرمایه‌گذاری کردند (لیتن، ۱۳۶۷: ۱۱۷).

در کل از زمان محمدشاه به دلیل حضور گسترده مستأجران روسی در شیلات، صدور ماهیان مختلف - به ویژه ماهیان خاویاری - به اروپا از راه بنادر روسی مرسوم بوده است. در ۱۲۵۹ق/۱۸۴۳م و در زمان محمدشاه درآمد دولت ایران از ناحیه شیلات دریای خزر حدود ۶/۵۰۰ تومان بود؛ اما در ۱۲۶۷ق / ۱۸۵۰م و در زمان ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر این مقدار به مبلغ ۲۵ هزار تومان رسید. بر طبق گزارش تامسون^۱ مال‌الاجاره شیلات در ۱۲۶۶ق / ۵۰-۱۸۴۹م ۳۰ هزار تومان ذکر شد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۰۵). حجم ماهیگیری در اوایل ۱۸۹۰م / ۱۳۰۸ق به ارزش ششصد هزار روبل بود. این مقدار در طی سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۶م / ۱۳۰۸-۱۳۲۴ق به نهصد هزار روبل و یک میلیون روبل افزایش یافت. از ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۳م / ۱۳۲۵-۱۳۳۲ق درآمد ماهی به بیش از ۲/۲۵ میلیون روبل رسید (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۲۴). ارزیابی انگلیسی‌ها از مقدار ماهی صادراتی ایران به روسیه از ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹م / ۲۷-۱۳۲۶ق ۱۰/۹۱۱/۰۰۰ پوند بوده است که در مقایسه با ارقام گزارش داخلی و منابع ایرانی خیلی پایین بود. سود لیانازوف در ۱۹۱۳ / ۱۳۳۲ق بیش از ۵۱۰ هزار روبل ذکر شده است (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۹۴).

پیامدهای واگذاری قرارداد شیلات شمال به روس‌ها

با ورود لیانازوف‌ها به صحنه شیلات شمال روندی بر منطقه حاکم شد که تأثیرات و پیامدهای منفی زیادی برای اهالی و دست‌اندرکاران شیلات در پی داشت. از سویی دیگر اوضاع بحرانی

دولت مرکزی ایران از نظر مالی سبب شد تا از این منابع ملی و خدادای به‌خوبی استفاد نشود. اسناد و مدارک زیادی وجود دارد که حکایت از فشار لیانازوف‌ها بر مردم است. بسیاری از درگیری‌ها به دلیل عدم اطلاع و توجه اهالی نسبت به متن قرارداد لیانازوف بود. این مسئله حتی درباره کارگزاران و حاکمان برخی مناطق قابل صدق بود. از سویی دیگر نقش و تأثیر گوشت ماهی را در ارتزاق مردم شمال ایران نباید نادیده گرفت. این مهم را می‌توان در نامه‌های مردم و در درگیری با عمال لیانازوف به کارگزاری‌های منطقه و وزارت خارجه دریافت. ماهی‌فروشان به علت عدم وجود راه‌های ارتباطی مناسب بین نواحی شمال و مرکز و دیگر نواحی از بیم فساد، آن را به صورت خشک و دودی و یا شور درمی‌آوردند و به فروش می‌رساندند. بیشتر نواحی غیرساحلی از خوردن ماهی تازه محروم بودند. به تدریج با روی کار آمدن رضاشاه و پیشرفت‌هایی که در شیلات و حمل و نقل صورت گرفت، در وضعیت حمل و نقل ماهیان به مراکز فروش و عرضه، بهبودی حاصل شد.

در سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م عمال و گماشتگان لیانازوف‌ها، بندرها و سدهایی را که مردم شهر بارفروش در رودخانه بابلرود برای صید ماهی ساختند خراب کردند. در پی این اقدام وابستگان لیانازوف‌ها، نامه‌های اعتراض آمیزی از سوی مردم و کارگذاری خارجه مازندران به وزارت امور خارجه نوشته شد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۲/۳/۱۹ق) فشارها و محدودیت‌ها در زمینه ماهیگری بر مردم سنگینی می‌کرد. گزارش کارگذاری مازندران به وزیر امور خارجه، گویای این مسئله است (همان، ۱۳۲۳/۲/۲۱ق).

درگیری و اختلافات بر سر شیلات در سراسر سواحل دریای خزر و رودخانه‌های آن از آستارا تا اترک وجود داشت. این جریان اعتراض آمیز در شرق دریای خزر و در مناطقی همچون «خواجه نفس»^۱ بیش‌تر ملموس بود و حتی به درگیری و کشتار منجر شد^۱ (همان، ۱۳۲۵/۷/۱۴ق). در ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵م عریضه‌ای از سوی صیادان ماهی اهالی انزلی به وزارت خارجه ارسال شد. این عریضه درباره صید و فروش ماهی سوف بود. صیادان از اینکه ماهی‌های صید شده را فقط باید به

۱. مانند شورش ماهیگیران گمش‌تپه

لیانازوف بفروشد، ناراحت بودند (همان، ۱۳۲۳/۲/۲۱ق). فشارهای عاملان لیانازوفها و قیمت پایین ماهیان در این امر تأثیر داشته است.

دولت مرکزی با توجه به فشارهای وارده بر مردم از ناحیه مستأجران بارها قصد داشت تا قرارداد شیلات را فسخ کند؛ اما به دلیل خالی بودن خزانة دولت و عدم توان پرداخت حق فسخ از یک سو و از سویی دیگر حمایت شدید دولت روسیه از مستأجران باعث شده بود تا دولت ایران نتواند هیچ گاه به چنین عملی اقدام کند. نوشته سفارت روسیه در ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵م به وزارت امور خارجه در ارتباط با درخواست ایران مبنی بر فسخ قرارداد شیلات با لیانازوفها گویای چنین امری است (همان، ۱۳۲۳/۲/۲۱ق).

پس از پیروزی مشروطه خواهان در جریان انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م) و بعد از آن، انقلابیون ایرانی از ترور و مخالفت با ماهیگیری، افراط در ماهیگیری، آلوده کردن آب رودخانه‌ها و نیز توسعه مرداب انزلی کوتاهی نمی کردند (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۲۴). برخوردها و درگیری‌ها میان مستأجران شیلات با دولت و اهالی تا زمان انقضای قرارداد همواره وجود داشت.

با روی کار آمدن رضاشاه، روس‌ها هم در این زمان اختیار شیلات دریای خزر را در دست گرفتند که شامل صادرات پرسود خاویار بود. همان گونه که آرتور چستر میلسپوی آمریکایی، مستشار کل مالی ایران تا ۱۹۲۷م/ ۱۳۰۶ش، توضیح داد و براساس شواهدی که ارائه کرد اعطای امتیاز شیلات به روس‌ها به معنای فروش کامل حقوق و منافع ایران بود. ایران تا پایان دوره امتیاز شیلات در ۱۳۳۱ش/ ۱۹۵۳م؛ یعنی زمان نخست‌وزیری محمد مصدق، نتوانست اداره شیلات دریای مازندران را بازپس گیرد. اعطای چنین امتیازهایی به معنای حیف و میل کامل منابع ثروت ایران بود. میلسپو با تأکید بر اینکه شیلات شمال و درآمدهای حاصل از آن از مهم‌ترین ورودی‌های عایدات کشور است، تأسیس شرکت شیلات مختلط را به ضرر ایران دانست (میلسپو، ۲۵۳۶: ۲۶۰). با نگاه به عملکرد روس‌ها در بهره‌برداری از شیلات دریای خزر، واضح است که پیش‌بینی میلسپو درست بوده است. امتیاز شیلات امتیازی استعماری بود که روس‌ها پیوسته بیش از یک قرن ونیم آن را در اختیار داشتند.

نتیجه‌گیری

دریای خزر همواره در طول تاریخ هم از نظر ارتباطی هم از نظر اقتصادی تأثیر عمیقی بر اقوام و ملت‌های منطقه و فرامنطقه داشته است. وجود ذخایر عظیم نفت و آبریزان موجود در آن، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی ممتازی را برای این دریا خلق کرده است. شیلات شمال ایران در عصر قاجار بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای در مناسبات ایران و روسیه یافته بود. این روند در طی دوره‌های بعد و در دوران حاکمیت روسیه کمونیستی ادامه یافت. تا زمان واگذاری شیلات شمال به میرزا حسین‌خان سپهسالار، شیلات شمال وضعیت ناهمگون و ناپایداری داشت. در قراردادهایی که میان مستأجران با دولت مردان قاجار منعقد می‌شد، حضور روس‌ها نمود بیشتری داشت. این امر ناشی از این واقعیت بود که ابزار صیادی و شرکت‌های حمل و نقل و کشتی‌های مجهز در اختیار آن‌ها بود. از سویی دیگر میزان اجاره آن‌ها بیش از مستأجران ایرانی بود. میرزا حسین‌خان سپهسالار در تنظیم و تنسيق شیلات شمال تلاش وسیعی را انجام داد. بعد از واگذاری شیلات به او، قراردادی را با استپان لیانازوف و شرکایش امضا کرد و شیلات شمال را در اختیار آن‌ها قرار داد. بعد از برکناری میرزا حسین‌خان سپهسالار، ناصرالدین‌شاه آن را به پسرش کامران‌میرزا سپرد و او هم آن را طی قراردادی به استپان لیانازوف واگذار کرد. این امتیاز از زمان واگذاری آن به لیانازف‌ها تا پایان واگذاری آن به دولت روسیه کمونیستی بارها تمدید شد تا اینکه در دوره نخست‌وزیری مصدق ملی شد. در طی این مدت دولت مردان روسیه حمایت همه‌جانبه‌ای از مستأجران خود داشتند.

با ورود لیانازوف‌ها به صحنه شیلات شمال و واگذاری امتیاز شیلات و حق گرفتن ماهیان حلال و حرام به آن‌ها در سراسر سواحل دریای خزر و رودخانه‌های آن، روندی بر منطقه حاکم شد که تأثیرات و پیامدهای منفی زیادی برای اهالی و دست‌اندرکاران شیلات در پی داشت. این روند با حضور دولت روسیه کمونیستی ادامه یافت. از سویی دیگر اوضاع بحرانی دولت مرکزی ایران از نظر مالی سبب شده بود تا از این منابع ملی و خدادادی به‌خوبی استفاده نشود. بسیاری از برخوردها و تصادفات ناشی از بی‌اطلاعی و ناآشنایی اهالی نسبت به متن قرارداد لیانازوف بود. به‌هرروی شیلات شمال هم برای دولت مردان، هم برای اقتصاد و ارتزاق مردم منطقه - حتی آن‌دسته

از مردمانی که شغل آنها صیادی بود و از این راه امرار معاش می کردند - نقش حیاتی داشته است. اگر دولت مردان و دست اندرکاران به جای تکیه بر مستأجران و امتیازداران روسی به فکر ایجاد تشکیلات منظم و منسجم شیلات شمال می افتادند، چنین سردرگمی و نابسامانی به وجود نمی آمد.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- آوری، پتر و دیگران (۱۳۸۷). *تاریخ ایران کمبریج (دوره افشار، زند و قاجار)*. ترجمه مرتضی ثاقبی فر. تهران: جامی.
- الهی، همایون (۱۳۶۱). *اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم*. تهران: ستاد انقلاب فرهنگی مرکز نشر دانشگاهی.
- انتنر، مروین ل. (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی ایران و روس (۱۸۲۸-۱۹۱۴م)*. ترجمه احمد توکلی. تهران: موقوفات محمود افشار یزدی.
- برکا، آر. (۱۳۷۵). *بازسازی، ماهی داری کردن، افزایش ذخایر و ماهیگیری در آبهای داخلی شوروی (سابق)*. ترجمه سید محمد یزدان پرست. تهران: وزارت جهاد سازندگی، شرکت سهامی شیلات ایران.
- بریمانی، احمد (۱۳۲۶). *دریای خزر یا دریای مازندران*. تهران: چاپخانه رنگین.
- بهرامی، تقی (۱۳۳۰). *تاریخ کشاورزی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- تفرشی، مجید (۱۳۷۲). *دو سال روابط محرماتة احمدشاه با سفارت شوروی*. تهران: تاریخ ایران.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲). *عصر بی خبری (تاریخ امتیازات در ایران)*. تهران: اقبال.
- جهان آرا، ناصر (۱۳۸۷). *شیلات خزری ایران برای اعاده روسیه*. آمل: وارث وا.
- جوانشیر، کریم (۱۳۷۸). *تاریخ علوم منابع طبیعی ایران*. تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.

- حسینی فراهانی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۲). *سفرنامه*. به کوشش مسعود گلزاری. تهران: فردوسی.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ ۱۹۰۰-۱۹۲۵*. تهران: پازنگ.
- رایینو، ه. ل (۱۳۶۶). *ولایات دارالمرز ایران: گیلان*. ترجمه جعفر خمami زاده. رشت: طاعتی.
- راین، اسماعیل (۱۳۵۰). *دریانوردی ایرانیان از عصر استعمار تا امروز*. تهران: چاپخانه سکه.
- رشیدی، علی (۱۳۸۶). *تحولات صد ساله اقتصاد ایران*. تهران: روزنه کار.
- بی‌نام (۱۳۰۲). «شیلات شمال و لیانازوف». *روزنامه ایران*. س ۸. ش ۱۳۴۸.
- بی‌نام (۱۳۱۰). «شیلات شمال در زمان رضاشاه». *روزنامه ستاره ایران*. س ۱۳. ش ۱۸۰۷. پنجم دی.
- بی‌نام (۱۳۰۴). «شیلات شمال». *روزنامه شفق سرخ*. سال ۴. ش ۴۵۳. پنجشنبه هفتم خرداد.
- بی‌نام (۱۳۸۷). «رضاشاه، شیلات و لیانازوف». *روزنامه دنیای اقتصاد*. ش ۱۷۲۳. هفتم بهمن.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۷۴). *خاطرات سیاسی مورخ الدوله سپهر*. ج ۱. تهران: نامک.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (۱۸۰۰-۱۹۱۴م)*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- قادری، حاتم (۱۳۵۹). *پژوهشی در روابط ایران و روسیه شوروی یا قرارداد ۱۹۲۱*. تهران: ایران چاپ.
- قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۸۰). *اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار (۱۲۴۰-۱۲۶۳ق / ۱۸۲۴-۱۸۴۷م)*. ج ۱. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ----- (۱۳۸۰). *اسناد روابط ایران و روسیه در دوره ناصرالدین‌شاه تا سقوط قاجاریه (۱۲۶۷-۱۳۴۴ق / ۱۸۵۱-۱۹۲۵م)*. ج ۲. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- کرزن، جرج ن. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- لنچافسکی، گئورگ (۱۳۵۶). *رقابت روسیه و غرب در ایران*. ترجمه اسماعیل رائین. تهران: جاویدان.
- لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷). *ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: معین.
- *ماهنامه الکترونیکی دوران*. «تاراج بزرگ». ش ۶۴، دی و بهمن ۱۳۹۱: www.dowran
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۷۶). *تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران*. ج ۳. تهران: پایدار.
- مصدق، محمد (۱۳۷۲). *خاطرات و تألمات محمد مصدق، مشتمل بر دو کتاب شرح مختصری از زندگی و خاطراتهم و مختصری از تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران*. تهران: علمی.
- مفخم‌پایان، لطف‌الله (۱۳۷۵). *دریای خزر*. ترجمه جعفر خمami زاده. رشت: هدایت.
- معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی*. ج ۲. تهران: بهزاد.
- منشورگرگانی، محمدعلی و محمد رفیعی مهرآبادی (۱۳۶۸). *رقابت شوروی و انگلیس در ایران (۱۲۹۶-۱۳۰۶ ش)*. تهران: عطایی.
- میلسپو، آرتور (۲۵۳۶). *مأموریت آمریکایی‌ها در ایران*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: پیام.
- نصیری مقدم، محمدنادر (۱۳۷۴). *گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*. ج ۱ و ۲. تهران: بنیاد.
- بی‌نام. «نگاهی گذرا به تاریخچه شیلات در دریای خزر». *مجله بندر و دریا*. ش ۲۹.
- وثوق‌زمانی، ابوالفتح (۱۳۶۴). «تاریخچه شیلات و ماهیگیری در شمال ایران». *مجله آبریان*. ش ۴.

- وحیدمازندرانی، غلام‌علی (۱۳۴۱). *راهنمای عهد و عهدنامه‌های تاریخی ایران*. تهران: ابن‌سینا.

- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۸). *مصداق و مبارزه برای قدرت در ایران*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.

- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۹). *تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم)*. تهران: امیرکبیر.

اسناد اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران:

- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: کارتن ۲، پرونده ۵، اسناد ۱۲۵۲-۱۲۵۳ق.

- همان، کارتن ۳، پرونده ۵، اسناد ۱۲۵۲-۱۲۵۳ق.

- همان، کارتن ۱۵، پرونده ۱۰، اسناد، ۱۲۹۳ق.

- همان، کارتن ۱۶، پرونده ۱۴، اسناد، ۱۲۹۶ق.

- همان، کارتن ۱۷، پرونده ۲۵، اسناد، ۱۲۹۹ق.

- همان، کارتن ۱۹، پرونده ۳، اسناد، ۱۳۲۲ق.

- همان، کارتن ۱۳، پرونده ۱۰، اسناد، ۱۳۲۲ق.

- همان، کارتن ۲۱، پرونده ۲، اسناد، ۱۳۲۳ق.

- همان، کارتن ۱۴، پرونده ۷، اسناد، ۱۳۲۵ق.

- همان، کارتن ۴۹، پرونده ۱، اسناد، ۱۳۲۵ق.

- همان، کارتن ۶۴، پرونده ۵، اسناد، ۱۳۳۶ق.

- همان، کارتن ۶۴، پرونده ۳، اسناد، ۱۳۳۷ق.

- همان، کارتن ۶۴، پرونده ۱، اسناد، ۱۳۰۰ش.

- همان، کارتن ۵۶، پرونده ۱، اسناد، ۱۳۰۲ش.

- همان، کارتن ۵۶، پرونده ۱، اسناد، ۱۳۰۳ش.

اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران:

سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۶۸۱، محل در آرشیو ۷۳۷ پ آ آ ۱، ۱۲۹۷ش.

- همان، شماره سند ۲۴۰۰۱۶۵۲۷، محل در آرشیو ۴۰۳ م ۱ آ آ ۱، ۱۳۰۰ ش.
- همان، شماره سند ۲۴۰۰۱۶۶۶۱، محل در آرشیو ۱۰۸ م ۳ آ آ ۱، ۱۳۰۲ ش.
- همان، شماره سند G ۲۴۰۰۱۷۳۴۳، محل در آرشیو ۷۰۴ ن آ آ ۱.
- Agaev, S. L. (1971). *Iran: vneshnyaya politika i problemy nezavisimosti. 1921-1945 gg. Iran: Foreign Policy and Problems of Independence. (1921-1945.)*. Moscow.
- Aliev, S. M. (2004). *Istoriya Irana. XX vek :History of Iran. 20th century*. Moscow.
- conolly, D. (). *soviet economic policy in the East* . London.
- Degras, J. (1951-1952). *Sovite Documents on Forein Policy*. vol II. London.
- Fatemi, N.S. (1952). *Diplomatic History of Persia*. NewYork.
- Genis, V. (2000). *Krasnaya Persiya (Red Persia)*. Moscow.
- Palyuka is, I. I. (1965). *Īkonomicheskoe razvitie Irana (Economic development of Iran)*. Moscow.
- *Dokumenty vneshnej politiki SSSR (Documents of Foreign Policy of the USSR) (1957)*. vol. 1. Moscow.
- A Study on the "Position of Fisheries in Iran and Russia's Relations" with an Emphasis on Archived Documents (1828- 1953).

